

نیازهای اجرایی

قانون حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب

اجتماع شاهد، قاضی و مجری حکم

وقتی مأمور راهنمایی و رانندگی با خودرویی مواجه می‌شود که تخلفی انجام داده است، مثلاً ورود ممنوع آمده، یک اتفاق عجیب در حوزه قضایی می‌افتد، اتفاقی که از نظر حقوقی جای دقت و تأمل فراوان دارد؛ اجتماع سه وظیفه در یک شخص!

مأمور راهنمایی و رانندگی کسی است که جرم را مشاهده کرده است و به عنوان شاهد می‌تواند علیه مجرم بینه اقامه کند. ولی این شاهد هرگز قرار نیست نزد یک قاضی شهادت دهد، بلکه قاضی هم خود اوست. همان مأمور بلافاصله بعد از شاهد شدن، قاضی می‌شود، رأی صادر می‌کند، جریمه تعیین می‌کند، گزارش دادرسی را نوشته و تحویل مجرم می‌دهد. در دادگاه‌های معمول، پس از صدور رأی، مجرم فرصت برای درخواست تجدیدنظر دارد، فرصت برابر برای دفاع از خود دارد، فرصت دارد وکیل بگیرد و ادله خود را راست و ریست کند. این‌جا فوری حکم اجرا می‌شود، زیرا همان قاضی، مأمور اجرای احکام هم هست. ماشین را بکسل می‌کند و به پارکینگ می‌برد. حالا هی بدو و داد بزن!

تعیین دقیق جرائم

البته قانون‌گذار توجه به این حقیقت که می‌تواند خیلی هولناک به نظر رسد داشته و تدابیری اندیشیده است. نخست محدود کردن وظایف مأمور راهنمایی و رانندگی است. او حق ندارد هر جرمی را بررسی کند، او حق ندارد به هر جریمه‌ای رأی دهد. تعداد جرائمی که او می‌تواند درباره‌شان قضاوت کند خیلی محدود و مشخص هستند. دقیق هم مشخص شده‌اند. هر کدام هم یک کد انحصاری دارد. جریمه هر یک نیز پیشاپیش و به دقت تعیین شده است. دست و بال مأمور این‌طور خیلی بسته می‌شود، خطر جمع شدن سه وظیفه در یک فرد اندکی کمتر می‌شود.

سبک بودن مجازات‌ها

مجازات‌های معین شده در قانون نیز خیلی سبک است. معمولاً فقط مالی. تازه همان لحظه هم حق ندارد پول را دریافت کند و مجرم بعداً پول را به بانک تحویل می‌دهد. در موارد معدودی هم خودرو را به پارکینگ منتقل می‌کند. او حق ضرب و شتم متهم را ندارد. اگر مثلاً مجازات اعدام یا زندان، یا شلاق بود، جبران ناپذیر و خطرناک می‌شد. ولی مجازاتی که فقط مالی است و نه جانی و آبرویی، تازه اجرای آن هم مستقل از مأمور است، از خطر کم می‌کند.

سازوکار اعتراض و شکایت

می‌گفت: پل ساخته بودند، اولین خودرو که رد شد فرو ریخت. تحقیق کردند؛ کارفرما، پیمانکار و ناظر یک نفر بود! خطر تمرکز در شخص این است. این شده که قانون‌گذار راه مشخصی برای شکایت در نظر گرفته است. برگه جریمه را دست می‌گیری و مراجعه می‌کنی، توضیح می‌دهی، مأمور را آورده و توضیح می‌خواهند. اگر دلایلت قانع‌کننده باشد برخورد درستی با مأمور می‌شود. مأموری که خطا کار بوده است و البته هر انسانی در وضعیتی که چنین قدرتی در او تمرکز پیدا کند می‌تواند خطرناک شود.

شرح دقیق جرائم

از طرف مجرم هم کار ساده شده. قانون‌گذار به فکر او بوده. علائم بسیاری طراحی شده. او موظف شده تا هنگام اخذ مجوز رانندگی حتماً با این علائم آشنا شود و قوانین مربوطه را یاد بگیرد. وقتی می‌خواهد با خودرو وارد یک کوچه شود، تابلوی گرد قرمز که یک خط سفید افقی در وسط دارد بیانگر این‌که نباید وارد شود. پس حالا که وارد شده، مأمور راهنمایی به این تابلو استناد می‌کند. مجرم همان لحظه می‌داند خلاف کرده و اعتراض ندارد، خود را مُحق نمی‌بیند اصلاً. اگر هم تابلو نبوده، یا کُنده شده، به مأمور نشان می‌دهد، مأمور هم حق ندارد قضاوت علیه او کند. حتی جایی که دوربین سرعت‌سنج نصب است، چندصد متر جلوتر تابلو می‌گذارند که بدانند دوربین هست. تابلوی محدودیت سرعت هم نصب می‌کنند. همه این‌ها حجت را از متخلف می‌گیرد و کار قضاوت مأمور را تسهیل می‌نماید.

تفاوت مأمور راهنمایی با مأمور انتظامی

قضیه مأمور انتظامی فرق می‌کند. او با جرائمی مواجه است که کیفرهای سختی گاهی دارند. شرایط آن‌ها نیز قابل تبیین نیست. یکی را بالای دیوار دستگیر می‌کند؛ آیا دزد است؟ آیا دیوانه است؟ آیا خانه خودش است و کلید را جا گذاشته؟ آیا جاسوس است و قصد سرقت اطلاعات داشته؟ آیا قاتل است یا تروریست؟

این‌جا دیگر نمی‌شود برای هر جرم یک کد در نظر گرفت و یک مجازات معین. تشخیص هم آن‌قدر تخصصی است که از عهده مأمور بر نمی‌آید. این‌جا قوانین ساده می‌شود و شاهد و قاضی و مجری حکم تفکیک می‌شوند.

مأمور انتظامی در این شرایط فقط یک شاهد است، او وظیفه دارد دست فرد مزبور را بگیرد، بدون ضرب و شتم و حتی اهانت، مؤدبانه به بازداشتگاه ببرد. گزارش کاملی از صحنه جرم بنویسد و همراه متهم تحویل دادسرا دهد. زمان و مهلت نگهداشتن در بازداشتگاه هم مشخص و محدود است.

اجرای قانون حجاب و عفاف

حالا می‌رسیم به قانون مورد نظر خودمان، این‌که از کدام نوع است. آیا مانند مأمور راهنمایی یا مأمور انتظامی؟ چه مقدار از وظایف را می‌توانیم به مأمور بدهیم؟

تبصره ۲ ماده ۱ این قانون تعریف «بی‌عفتی» است، به: «هر نوع رفتار و گفتار و حرکت شهوانی خلاف شرع». سپس ماده ۳۸ مجازات ترویج بی‌عفتی را جزای نقدی، ممنوعیت خروج از کشور، ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی، حبس از شش ماه تا دو سال در نظر گرفته است. البته تبصره ماده ۳۹ توضیح می‌دهد که مأمور انتظامی یا همان ضابط در این‌جا نه قاضی است و نه مجری حکم. او فقط موظف است «مستندات مربوط به جرائم مذکور را به دادسرا یا دادگاه ارسال کند». تا این‌جا مطابق روش دوم عمل شده است.

اما ماده ۴۸ به مأمور انتظامی اجازه می‌دهد افراد بدپوشش را پس از احراز هویت قطعی جریمه نقدی کند. این جریمه بار اول تعلیقی و در مرتبه دوم قطعی خواهد بود. در مرتبه سوم مسئله به مرجع قضایی واگذار شده است. معنای آن است که در این مورد، به روش اول عمل شده و مأمور انتظامی هم شاهد و هم قاضی است.

تعیین جرم بدپوششی

طبیعتاً در این موارد لازم بوده جرم دقیق مشخص شود. به همین دلیل دو تبصره ذیل ماده ۴۸ تصویب شده. اولی بدپوششی زنان را توصیف می‌کند: «پایین‌تر از گردن یا بالاتر از میچ یا بالاتر از ساعد دست‌ها دیده شود». دومی درباره مردان: «هر پوشش خلاف عفت و اخلاق اسلامی».

دو فصل از قانون توجه ویژه‌ای به مقوله آموزش و آگاه‌سازی داشته‌اند. فصل دوم و سوم. از حوزه علمیه گرفته تا سازمان تبلیغات و صداوسیما و آموزش و پرورش و... ولی تابلوهای راهنمایی کو؟!

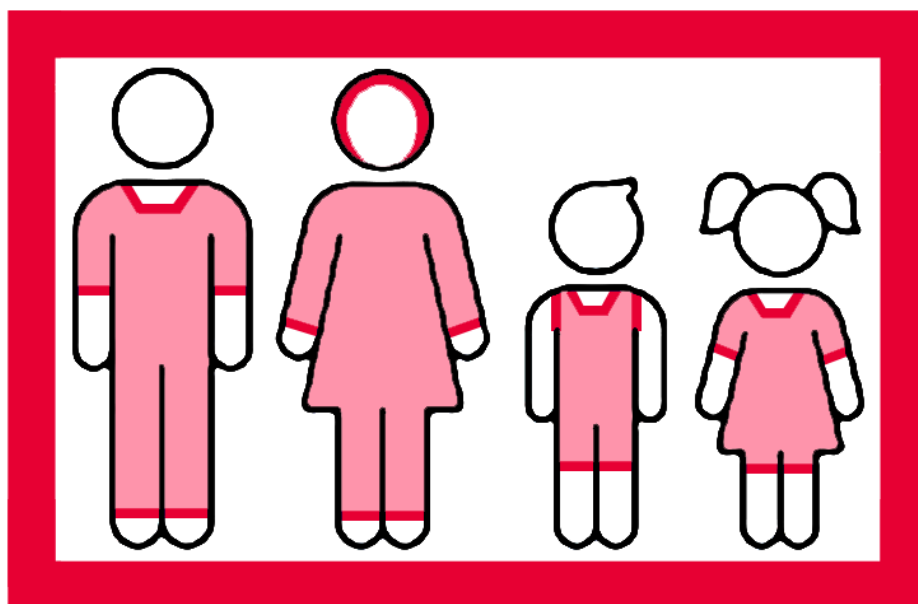
تفاوت دو روش و کارهایی که باید بشود

وقتی مأمور انتظامی فقط حق بازداشت، نوشتن گزارش و تحویل به دادسرا را دارد، آموزش عمومی کافیت. حالا یک نفر اگر ادعا کن من خبر نداشتم نباید از دیوار خانه مردم بالا بروم، مأمور انتظامی که قصد ندارد قضاوت کند، می‌گوید: همه چیز در دادگاه مشخص خواهد شد. محترمانه او را تحویل قاضی می‌دهد. وظیفه آنهاست که مفصل تحقیق کنند و بفهمند راست می‌گوید یا نه.

اما وقتی مأمور حق داشت قضاوت کند و رأی بدهد، جریمه کند، این‌جا جلوی چشم مجرم تابلو نصب می‌کنند. یعنی ببیند که سرعت نباید از ۶۰ بیشتر شود. اگر شد، جریمه‌اش می‌کنند. تا بگوید: خبر نداشتم، می‌گویند: تابلو این‌جاست. ضمن این‌که دقیق مشخص است که بعد از جریمه می‌تواند کجا شکایت کند و مسیر بررسی چطور است.

در آن موادی از قانون عفاف و حجاب که مسئله سخت بوده و مجازات سنگین که به مرجع قضایی واگذار شده، مشکلی نیست. همان آموزش عمومی در صداوسیما و مدرسه کافیت. اما آن‌جا که قرار است جریمه شود، باید فکر تابلو و تراکت‌ها و بروشورهایی باشیم که دقیق و مشخص و واضح باشند. همان‌طور که علامت سیگار کشیدن ممنوع را به دیوار درمانگاه یا بیمارستان نصب می‌کنند، یا تصویر آن آدمی که انگشتش را روی لبش عمود کرده که یعنی: سکوت! تابلوهای استاندارد تعریف و طراحی و ارائه شود که محدوده حجاب زن و مرد را مشخص کند. هم به فارسی و هم انگلیسی زیر آن بنویسد که مثلاً تا این‌جا باید پوشش باشد و جریمه آن را تذکر دهد، چنین مثلاً:

حریم حجاب



The painted sections should be covered.

infringement of the above law will be a fine of 10\$.

بخش‌های رنگ‌شده باید پوشیده باشد.

تخلّف از قانون فوق مستوجب جریمه نقدی معادل ۶۰۰ هزار تومان خواهد بود.

ابتدای هر فعالیتی، هر کار فرهنگی، فشار باید بالا باشد. حجم تولیدات و تبلیغات هم. ما تجربه فراوانی در این زمینه داریم. وقتی خواستند بستن کمربند را اجباری کنند، وقتی نشستن دو نفر در صندلی شاگرد را ممنوع کردند، نداشتن کلاه ایمنی که جرم شد، وقتی دوربین‌های سرعت سنج راه افتاد و جریمه‌های آن، در همه این موارد حجم تبلیغات و اطلاع‌رسانی بالا بود. اثر هم گذارد. سریال «سیاساکتی» که قابل فراموشی نیست. در ذهن مردم ماند و اثر گذاشت.

نتیجه چه شد؟ امروز وقتی به خاطر بستن کمربند ایمنی جریمه می‌کنند، اعتراضی نمی‌شود. مرد پذیرفته‌اند که این یک وظیفه اجتماعی است؛ نسبت به خود و همچنین زن و فرزندی که منتظر بازگشت تو هستند!

اقدامات ضروری

با توجه به نکاتی که در مطالب بالا گفته شد:

۱. نصب تابلوهای حریم حجاب در هر جایی که قرار است برخورد انتظامی صورت گیرد.
۲. تولید و پخش حجم پرسروصدای و سنگین برنامه‌های تلویزیونی آموزشی.
۳. توزیع بروشورهای حاوی تصاویر حریم حجاب و توضیح آن.
۴. تدبیر سازوکاری که به سادگی بشود نسبت به برخورد نادرست و اشتباه مأموران شکایت کرد.
۵. آگاه‌سازی مردم از سازوکار اعتراض و شکایت
۶. توجیه مأموران انتظامی به برخورد مؤدبانه با مجرمان حجاب همراه با بیان حقوق فرد به این که امکان شکایت و اعتراض بعدی را خواهد داشت.
۷. مواجهه پر حجم مأموران انتظامی با مجرمان در یک دوره زمانی مشخص، مثلاً شش ماه، طوری که مردم حس کنند اگر تا سطل زباله سر کوچه هم مجرمانه ببینند، ممکن است مأمور ببیند و جریمه کند. این نیازمند جذب نیروهای فراوان است، مثلاً سرباز وظیفه یا همیار پلیس، تعداد پرسنل نیرو در حال حاضر پاسخگوی این حجم از مواجهه نیست.

